خطراتی که چوگان را تهدید می‌کند

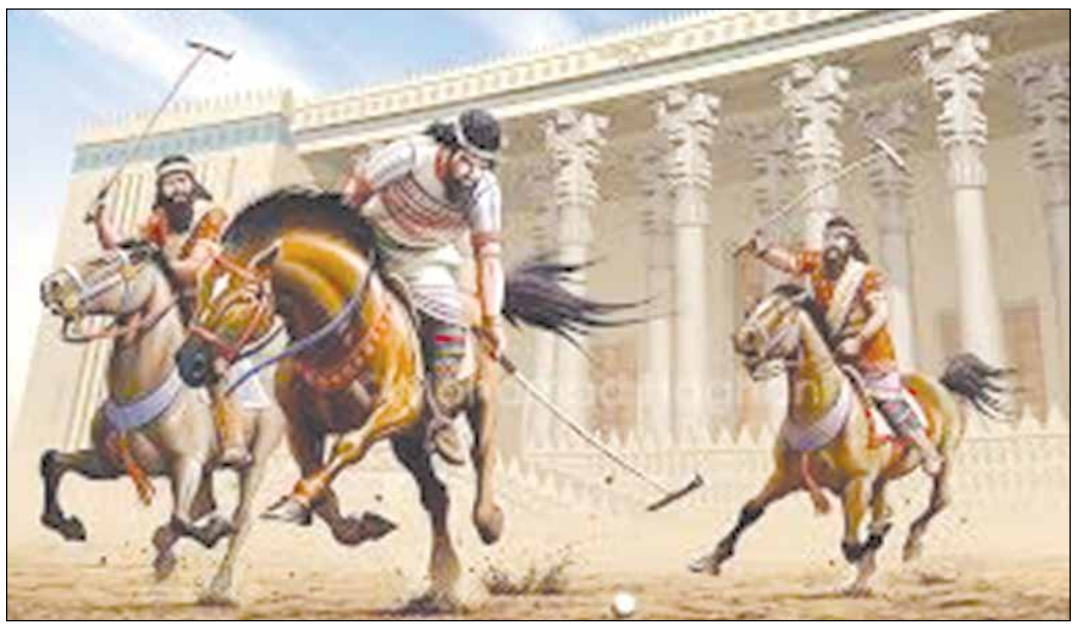

«چوگان» یکی از بازی‌هـــای قدیمی ایران اســـت که با عنوان «چوگان بازیِ سوار بر اسب همراه با روایت‌گری و موسیقی» در فهرست آثار جهانی یونسکو به ثبت رســـیده است اما امروز چالش‌هایی، این اثر ثبتـــی را تهدید می‌کند و ممکن اســـت جایـــگاه جهانـــی آن را به خطر بیندازد.

به گزارش ایسنا، ـ فرهاد نظری ـ عضو کمیته میـــراث ناملموس آیســـکو ـ در گفت‌وگویی مجازی به بررســـی بازی چوگان که در فهرست آثار جهانی به ثبت رســـیده است و چالش‌های آن در سال‌های اخیر پرداخت. حجت مرادخانی ـ پژوهشـــگر هنر و صنایع دستی ـ درحالی‌که مدیریت ایـــن گفت‌وگو را به عهده داشـــت، با توضیح پیشینه‌ای از ثبت جهانی چوگان، بیان کـــرد: پرونده چوگان در ســـال ۲۰۱۷ میلادی به عنوان «چوگان بازی ســـوار بر اسب همراه با روایت‌گری و موسیقی» از طرف ایران در یونسکو به عنوان میراث بشـــری و ناملموس مطرح و به ثبت جهانی رسید. نکته قابل تأمل، اهمیت این بازی در فرهنگ و ادبیات ایران اســـت و جایگاه بسیار برجسته دارد که کم‌تر شاعر ایرانی است که در اشـــعارش از آوردن نام این بازی استفاده نکرده باشـــد. این در حالیســـت کـــه این بازی فرهنگی در سال‌های اخیر با چالش‌هایی روبرو بوده است.

مرادخانی گفت‌وگو را با طرح پرسشی درباره اهمیت چوگان در فرهنگ و ادبیات ایران ادامه داد که نظری در پاســـخ به آن گفت: «چوگان» بـــه تعبیری و بنا برآن چیزی که پژوهشـــگران می‌گویند، قدیمی‌ترین بازی گروهی جهان و به عبارتی منشـــأ و مادر بازی‌های با توپ است. از طرف دیگر، خوشبختانه خاستگاه و محل ابداع این بازی ایران اســـت و این چیزی نیست که ما ایرانی‌ها بگوییم. متأسفانه تحقیقات ما ایرانی‌ها در مورد چوگان بسیار بسیار اندک است. چوگان یکی از عناصر میراث‌فرهنگی ناملموس است که شاید بیشترین انعکاس را در سایر هنرها، ادبیات و عرفان، امثال و حکم دارد. حتی نوروز هم که یکـــی از بزرگترین جلوه‌هـــای میراث فرهنگی ماست، انعکاســـش در هنرها و ادبیات به اندازه چوگان نیست.

این کارشناس میراث فرهنگی با بیان این‌که «چوگان» بازی‌ایی برای اعیان بوده و امروز هم ضرب‌المثلی درباره چوگان بین چوگان‌بازان دنیا مبنی بر این‌که «شـــاه بازی‌ها و بازی شاهان» مطرح اســـت، ادامه داد: قدیمی‌ترین خبری که درباره بازی «چوگان» داریم به پیشنهاد داریوش سوم (واپسین پادشـــاه هخامنشی) به اسکندر برمی‌گردد. وقتی اسکندر قصد حمله به ایران را دارد، داریوش سوم از نیت او باخبر شده و برای او یک گوی و یک چـــوگان (ابزار بازی چوگان نیز با همین نام شـــناخته می‌شود) می‌فرستد و به او پیشـــنهاد می‌دهد به جای جنگجویی و جهان‌گشایی، با او چوگان بازی کند. این جمله معروف اسکندر هم از این ماجرا می‌آید: «گوی من زمین است و چوگان من شمشیر». او افزود: اگر بنا بر این بگذاریم که این کهن‌ترین خبری اســـت که به ما رسیده؛ یعنی چوگان حدود دو هزار و ۳۵۰ ســـال قدمت دارد، عمری بیشتر از عمر اکثر کشورهای جهان. شاید اگر پنج، شش کشـــور را کنار بگذاریم، قدمت چوگان از تاریخ تمدن بشر بیشتر باشد.

نظری با بیان این‌که «چوگان» یک فرهنگ اســـت که آداب خودش را دارد که هم باید در زمیـــن و هم بیرون زمین رعایت شـــود، گفت: در طول این ســـال‌ها این فرهنگ همواره مورد توجه بوده است. در بسیاری از اشعار، نگاره‌ها و مینیاتورها چوگان به تصویر کشیده شده است. اگر به «آداب‌الحرب و شجاعه» یا «قابوس‌نامه» نگاه کنید، به بازی چوگان و آداب آن اشاره شده اســـت. این موضوعات نشان می‌دهد که چوگان یک فرهنگ قوی، غنی و دارای پیشینه است و به علت ارزش‌های ذاتیش توانسته موضوع بسیاری از شـــاهکارهای ادبی و هنری شناخته شود. در شـــاهنامه بایسنقری، شاهنامه شاه طهماسب و نسخه دیوان حافظی که در موزه ملی نگه داشته می‌شود، نگاره و تصاویر مینیاتوری از «چوگان» به تصویر کشیده شده است، برای مثال در دیوان حافظ در یکی از مجالس مینیاتوری بسیار زیبا این بیت را تصویرگری کرده‌اند، «خسروان گوی فلک در خم چوگان تو باد». این استاد دانشگاه بیان کرد: این‌ها دســـت به دســـت هم داده‌اند تا از چـــوگان یک میراث فرهنگـــی تمام عیار بسازند. خوشبختانه ما ایرانی‌ها امروز میراث‌دار چنین فرهنگی هســـتیم و در ۱۶ آذرماه ۱۳۹۶ چوگان به عنـــوان میراث فرهنگی بشـــری به همراه موســـیقی و راویت‌گری در یونسکو ثبت شـــد. در واقع فقط «چوگان» یک بازی نیست و موســـیقی از جمله مواردی است که لازمه آن اســـت. اگر به مینیاتورها هر دوره‌ای نگاه کنید، در کنار تصویرگری صحنه چوگان حتما فردی نقاره یا سُـــرْنا می‌زند. هنوز هم در هند هنگام بازی چوگان سُـــرْنا و دمـــام می‌زنند. نظری در ادامه به اهمیت چوگان به عنوان میراث فرهنگی پرداخـــت و گفت: امروز دیگـــر نمی‌توان گفت چوگان تنها یک بازی اســـت و برای ما ایرانیان یک میراث فرهنگی به شمار می‌رود و وضعیت و مختصاتی که چوگان در ایران دارد، طبیعتا با آن چیزی که در کشورهای دیگر دارد، متفاوت است.

در سایر کشورها نیز به چوگان به عنوان یک فرهنگ نگاه می‌کنند. این بازی تا چندین سال پیش متعلق به طبقه خاصی بوده، اما به اعتبار فرهنگـــی بودنش در زندگی همـــه مردم کاملا جاری است و نمونه آن تمثیلات، ادبیات و شعر که در مورد «چوگان» است.

او افزود: در کتـــاب «تاریخِ چوگان» زنده‌یاد دکتر آذرنوش نیز به این موضوع اشـــاره شـــده است و می‌توان پی برد که نفوذ چوگان در لایه‌ها و بطن زندگی مردم چقدر بوده است، برای مثال یکی از نقش‌نگاره‌ها که روی بشقاب‌های قدیمی چاپ شـــد بود، مربوط به بازی «چوگان» بود. بنابراین «چوگان» یک عنصر و جزو ناگسستنی زندگی مردم ایران اســـت و نمی‌تـــوان آن را با کشورهای دیگر مقایسه کرد.

چوگان دماسنجی برای بررسی تحولات نظامی ایران

عضو کمیته میراث ناملموس آیسسکو درباره اهمیت بـــازی «چوگان» در طول تاریخ و نقش آن در وضعیـــت نظامی آن، بیـــان کرد: چوگان در واقع مشـــق رزم فرماندهان و امیران نظامی بوده و در ایامی که جنگ وجود نداشـــته، برای این‌که آمادگی خود را حفظ کنند، چوگان بازی می‌کردند و اســـبی که چوگان بـــازی می‌کرده در میدان نبرد می‌دانســـته که از اســـب حریف نباید بترســـد و به قلب لشکر حمله کند و این را در بـــازی چوگان آموخته بود. بنابراین رواج و تداول «چوگان» در ایران نســـبت مستقیمی با سپاهی‌گری داشته است. در هر دوره‌ای که ایران نیروی نظامی قدرتمند داشته چوگان هم بوده است و هر دوره‌ای که ایران کشور قدرتمندی نبوده چوگان هم دچار افت و حتی فراموشـــی شده است. بنابراین «چوگان» دماسنجی است برای بررسی تحولات نظامی ایران، برای مثال در دوره ساسانی‌ها یا در دوران سلطان محمود که مدام در حال لشکرکشی بوده، این بازی خیلی رواج داشته است.

مرادخانی به چالش‌های چوگان نیز به عنوان یک میراث ناملموس بشری اشاره کرد و گفت: در سال‌های اخیر شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی وزارت ورزش و جوانان برای فعالان این حوزه محدودیت‌هایی ایجاد کرده اســـت، برای مثال باشگاهی مانند «فرح‌آباد» در شرق تهران کـــه زمین بازی چوگان بوده را پلمپ کرد و نام باشـــگاه را از «چوگان و سوارکاری فرح‌آباد» به باشگاه «ســـوارکاری و چوگان فرح‌آباد» تغییر داد. به نظر می‌رســـد که نسبتِ بین سوارکاری و چوگان قابل قیاس نیست، منشأ این موضوع چیست؟ چرا این اتفاق افتاده است؟

نظـــری پاســـخ داد: وقتی ما چـــوگان را به دبیرخانه میراث ناملموس یونســـکو برای ثبت پیشـــنهاد کردیم، آن را به عنوان یک فرهنگ پیشـــنهاد کردیـــم و نه به عنـــوان یک ورزش. البتـــه که چوگان یک بازی اســـت و نه ورزش! این‌که نهاد، وزارتخانه یا ســـازمانی متصدی این بازی باشد، مسبب چنین تصمیماتی می‌شوند. در بیشـــتر کشـــورهای جهان متصدی ترویج، نگهداری و همه امور چوگان، انجمن‌ها هستند و خیلی کم پیش می‌آید کـــه در جایی از دنیا فدراسیون داشته باشد.

او ادامـــه داد: از ماهیـــت و علـــت اختلاف فدراســـیون چوگان و شـــرکت توسعه و تجهیز اطلاعی نـــدارم و نمی‌دانم حق با کیســـت، اما آن‌چه مســـلم اســـت، این اســـت که این‌گونه اختلافات و دعاوی باعـــث کمرنگ و کم فروغ شدن «چوگان» می‌شود و این موضوع یعنی به چالش کشـــیدن یک میراث فرهنگی ایرانی. ما در یـــک منطقه جغرافیایی زندگی می‌کنیم که رقبـــای زیادی داریم و به بهانه‌های مختلف این کشورها اقدام به رقابت می‌کنند، برای مثال در سال ۲۰۰۳، جمهوری آذربایجان یک شکلی از «چوگان» را با عنوان «چوگان با اسبِ قره‌باغی در جمهـــوری آذربایجان» ثبـــت کرد و اگرچه به نظر می‌رســـد که مقاصد سیاسی داشتند و موضـــوع قره‌باغ مطرح بود، امـــا آن. چیزی که اسباب منازعه بین دو کشور شد، «چوگان» بود و ما بعد از آن‌ها «چوگان» را ثبت کردیم.

نظری افزود: بنابراین ما باید خیلی محتاطانه و دقیق در مورد «چوگان» قدم برداریم و تصمیم بگیریـــم و اقدامی نکنیم که این میراث به خطر بیفتد. در واقع نباید مصالح بلندمدت ملی (بازی چوگان) را فدای منافع کوتاه‌مدت (میزان اجاره فلان زمین) کنیم. از طرفی باید به این موضوع پرداخت که نباید در برابر تعهداتی که نسبت به پاسداری از این میراث ناملموس داریم، کوتاهی کنیم.

عضو کمیته میراث ناملموس آیســـکو در پاسخ به این سوال که چوگان چه فرصت‌هایی برای فرهنگ ایران به مثابه یک جاذبه و میراث ناملموس برای حوزه گردشـــگری ایجاد کند؟ اظهار کرد: طبیعتا «چوگان» یکی از بازی‌های بسیار مورد توجه کشورهای توسعه‌یافته است و در اکثر این کشورها این بازی رایج و خیلی مورد توجه اســـت و صرف نظر از این‌که هنرمندان و افراد خاص این بازی را انجام می‌دهند، مقامات دولتی، رئیس‌جمهورو روسای پارلمان‌ها نیز به چوگان علاقه‌مندند و چـــوگان بازی می‌کنند. بـــازی چوگان خصوصا در ایـــران این فرصت را دارد که برای گرشگری فرصت‌ها و جذابیت‌های منحصر به فـــردی ایجاد کند، برای مثال وجود میـــدان نقش جهان در ایـــران که قدیمی‌ترین زمین دایـــر چوگان در ایران بوده اســـت، یکی از این فرصت‌هاســـت؛ چراکه واقعـــا آرزوی هر چوگان‌باز تراز اولی است که در این زمین بازی کند، در جایی که پاشاهان صفوی در آن چوگان بازی می‌کردند. او با بیان این‌که چوگان همچنان در خیال هنرمنـــدان و صناعت‌کاران اصفهانی زنده است، افزود: تقریبا تا قبل از دهه اول و دوم قرن گذشته، در میدان نقش جهان چوگان بازی می‌شد که ویدئوهایی از آن موجود است، اما بعد از آن دیگر در این میدان این بازی را انجام نشد و معماری محیطی آنجا و فضاسازی کف میدان تغییر کرد. در این شـــرایط دیگر امکان چوگان بازی کردن آنجا فراهم نبود. تا سال ۱۳۹۳، در گوشه‌ای از میدان نقش جهان به صورت نمادین «چوگان» بازی شـــد که رویدادی تاریخی بود، اما در سال‌هایی که در این میدان چوگان بازی نمی‌شد، یکی از دست‌مایه‌ها و موضوعات مورد علاقه هنرمندان اصفهانی، تصویرگری «چوگان» بود و حجره‌های پیرامـــون میدان که کالاهای صنایع‌دســـتی می‌فروختند، تصاویـــر از بازی چوگان بـــود؛ یعنی میدان نقش جهان را به آن صورتی که در قبـــل بوده تصویر می‌کردند و نه وضع موجود آن.

گفت‌وگو با فرهاد طوفان، بازیگر نقش بنی صدر

وقتی به من گفتند بنی‌صدری، خنده‌ام گرفت!

بازیگر نقش بنی صدر در سریال «راز ناتمام» می‌گوید: وقتی ۱۰ ساله بودم تراکت‌های آقای بنـــی صدر را در خیابان‌هـــا پخش می‌کردم و نمی‌دانســـتم روزی قرار است خودم بنی‌صدر شوم!

او بـــه چالش‌های ایفای ایـــن نقش که به تازگی پخشـــش در تلویزیون به پایان رسیده، اشاره می‌کند و می‌گوید: بزرگترین چالش این نقـــش این بود که فقط بنی‌صدر را بازی کردم و اصلا هیچ قضاوتی درباره‌ی او نداشتم. کاملا بی‌طرف پیش رفتم و فقط سعی کردم نقشم را درست ادا کنم.

فرهـــاد طوفان، بازیگر نقـــش بنی صدر در ســـریال «راز ناتمام»، در گفت‌وگویی با ایسنا دربـــاره‌ی بازخوردهایی که از نقشـــش در این مجموعه گرفت و همچنین دشواری‌های ایفای چنین نقش‌هایی که تاریخ معاصر محســـوب می‌شوند نکاتی را بیان کرد.

پخش ســـریال «راز ناتمام» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی امین امانی شامگاه شنبه، ۱۹ شهریور ماه از شبکه یک سیما به پایان رسید.

بازیگـــر نقش بنی صدر گفـــت: اکثر مردم شـــخصیت بنی صدر را یادشـــان هست و با او خاطراتی داشتند. ایشان زمان انقلاب به عنوان اولیـــن رئیس جمهور فعالیت داشـــتند. ایفای اینگونـــه نقش‌ها که تاریخ معاصر محســـوب می‌شوند و مردم آنها را از نزدیک دیده اند، واقعا دشوار است چون دیده شـــده‌اند. از طرفی به دلیل عکس و فیلم‌هایی که از این شخصیت‌ها باقی مانده اســـت، بازیگران باید خیلی شبیه به آنها انتخاب شـــوند و واقعاً بازیگر باشـــند. خداراشـــکر بازتاب‌ها از این نقش خیلی خوب بوده و اگر حمل بر خودســـتایی نباشد، خودم هم از کارم راضی بودم اما در نهایت مردم عزیز باید قضاوت کنند.

دشواری‌های «راز ناتمام»

او سپس به دشواری‌هایی پروژه «راز ناتمام» اشـــاره کرد و توضیـــح داد: مـــا در این پروژه دشـــواری‌های زیادی متحمل شدیم که حتی خود کارگـــردان هم درگیر شـــده بود. بخش عمده‌ای از این دشـــواری‌ها به فشـــردگی کار تولید برمی‌گشت و اینکه ما در فصل زمستان کار می‌کردیـــم و لوکیشـــنمان جـــای خیلی خوبـــی نبود. ما از صبح خیلـــی زود باید روی یک صندلی می‌نشســـتیم و تا ۱۱ شب منتظر می‌ماندیم تا نوبت به سکانس‌های ما برسد. از طرفی مســـائل مالی خیلی ما را اذیت کرد که البته مقصر تهیه‌کننده و کارگردان کار نیست. آقای امانی خیلی لطف داشـــتند و تا جایی که ممکن بود سعی کردند همه را راضی نگه دارند اما متاسفانه بخش مالی که مهمترین مسئله در هر کاری است هیچ‌وقت جدی گرفته نمی‌شود؛ این در حالی است که بیشتر بازیگران از طریق همین راه، گذران زندگی می‌کنند و زندگی‌شان را از طریق بازیگری می‌گذرانند؛ بنابراین زمانی که در کاری قســـط‌هایمان دو تا سه ماه عقب می‌افتد، خودتان می‌توانید حدس بزنید که چه مشکلاتی پیش می‌آید. این مشکل باید از خود سازمان صداوسیما حل شود.

این بازیگـــر که برای اولیـــن بار نقش بنی صـــدر را مقابل دوربین بازی کـــرد در ادامه از جذابیت‌های ایفای این نقش گفت.

او اظهار کرد: گذشته از تمام دشواری‌ها من واقعاً از این کار لـــذت بردم و برایم جالب بود. از چندین ســـال پیش وقتی با دوستانم جمع می‌شـــدیم همه به من می‌گفتند چقدر شبیه بنی صدر هســـتم. قبل از گریم، خودم هم پی برده بودم که چقدر شـــبیه بنی صدر هستم. دوستانم همیشه می‌گفتند اگر روزی قرار باشد سریالی ساخته شود که نقش بنی‌صدر در آن باشد باید از شما استفاده کنند و دقیقا همین اتفاق افتاد. من اولین بار بود که نقش بنی صدر را ایفا می‌کردم و کلاً هـــم اولین باری بود که نقش این شخصیت در تلویزیون نشان داده شد. نکته جالب دیگر این بـــود که وقتی برای این پروژه دعوت شدم تا زمانی که گریم شوم، خبر نداشتم قرار اســـت نقش بنی‌صدر را ایفا کنم چون شـــخصی که برای این نقش قبل از من انتخاب شـــده بود و قرار بود برای تست گریم بیاید متاسفانه به کرونا مبتلا شد و من تا لحظه گریم نمی‌دانستم قرار است بنی صدر باشم.

طوفـــان همچنین یـــادآور شـــد: وقتی به من گفتند بنی صـــدری، خنده‌ام گرفت چون نســـبت به این شخصیت ذهنیت قبلی داشتم و جالب اینجاست شب قبل از دعوت شدن به این پروژه در صفحه شخصی اینستاگرامم یکی از مصاحبه‌های بنی صدر را می‌خواندم. زمانی هم که انقلاب پیروز شـــد من ۱۰ سال داشتم و جالب اســـت که آن زمان هم من تراکت‌های آقای بنی صـــدر را در خیابان پخش می‌کردم و نمی‌دانستم خودم قرار است روزی بنی‌صدر شـــوم. این بازیگر درباره شـــناخت شخصیت بنی‌صـــدر قبل از ایفای نقشـــش، توضیح داد: راستش شناخت خوبی نسبت به ایشان نداشتم و فقط می‌دانستم که در مقطعی رئیس جمهور ایـــران بوده و بعد با لباس زنانه از کشـــور فرار کرده است، اما درباره‌ی نقش تحقیقاتی انجام دادم. بیشتر می‌خواستم با حالات، رفتار و لحن صحبت بنی صدر آشنا شـــوم؛ بنابراین اغلب سخنرانی‌هایش را گوش کردم، مصاحبه‌هایش را خوانـــدم و زندگینامـــه‌اش را خواندم دیگر قضاوت با مردم است که بگویند آیا توانستم در این نقش موفق باشم یا خیر.

هیچ قضاوتی نداشتم

بازیگر نقش بنی صـــدر درباره چالش‌های ایفای این نقش هم تصریـــح کرد: آقای امانی از همـــان ابتدا به من گفتند لازم نیســـت که بخواهم خود بنی صدر را تقلید کنم فقط مهم این بود که نقش دربیاید. در این کار بازیگران همه خوب بودند به ویژه بازیگر نقش شـــهید بهشـــتی دوست عزیزم آقای مسعود رحیم پور و همین‌طور رامین راستاد عزیز که نقش آیت الله‌هاشـــمی رفســـنجانی را ایفا کردند و واقعاً فوق‌العاده بودند.

طوفـــان در پایان گفت: راســـتش من وارد قضیه سیاســـی این شخصیت نشـــدم و فقط تا جایی که توانســـتم از زندگی‌ش برای بازی خـــودم تحقیق کردم و اصلاً جانب‌داری نکردم و دنبال این کار هم نبودم. فقط برایم این مهم بود که بتوانم نقشم را به درستی پیش ببرم. به نظرم یـــک بازیگر وقتی یک نقش را می‌پذیرد باید بی‌طرفانه آن‌را بازی کند و قضاوتی نداشته باشـــد؛ بنابراین چالش این نقش برایم همین جا بود که من بتوانم نقشـــم را درست ادا کنم، بقیه‌اش با مردم است.

درخواست انجمن طراحان گرافیک ایران برای تجدید نظر

چرا نشان استاندارد مرتضی ممیز نباید تغییر می‌کرد؟

نشـــان اســـتاندارد ایران که پیش‌تر توسط مرتضی ممیز طرحی شـــده بود و ســـادگی و ظرافت آن زبانزد اســـاتید در دانشـــگاه‌ها بود، چندی پیش تغییر شکل داد. انجمن طراحان گرافیک ایران در واکنش به این تغییر بیانیه‌ای را منتشر کرد.

به گزارش ایســـنا، متن این بیانیه به شرح زیر است:

«طراحی نشان موسســـه‌ی استاندارد ایران در ســـال ۱۳۶۴ توسط استاد «مرتضی ممیز» پیشگام گرافیک مدرن ایران، بنیانگذار انجمن صنفـــی طراحان گرافیک ایران و از پایه‌گذاران آموزش گرافیک نوین در سیســـتم دانشگاهی کشور، طراحی شد و جایگزین نشانه‌ی قبل از انقلاب این موسسه شد.

ایـــن اثر بـــا توجه بـــه طراحی پیشـــرو و هوشمندانه‌ای که داشت در کنار شعار علامت اســـتاندارد، نشـــانه‌ی مرغوبیت کالا است به سرعت به نشـــانه‌ای محترم و قابل اعتماد در جامعه بدل شد.

علامت استاندارد در نگاه اول یک مونوگرام زیبـــا از حرف S را بـــه نمایش می‌گذارد که با نگاهی خلاقانه در ســـاختار یک مربع طراحی شـــده اســـت، اما ویژگی منحصر بـــه فرد این نشانه حروف مخفف شده‌ی عنوان موسسه‌ی اســـتاندارد اســـت که با ظرافت تمـــام به دو زبان فارسی و انگلیســـی در فضای میانی این مونوگرام جای گرفته اســـت و در حالت اصلی کلمه‌ی «ایران بدون نقطه» دیده می‌شود و با چرخـــش ۱۸۰ درجه‌ای آن عبارت «ISIRI» خوانده می‌شـــود. عـــلاوه بر طراحـــی زیبا و منسجم آن، این نشانه به عنوان یکی از بهترین لوگوهای ملی همیشـــه مورد توجـــه مردم و طراحان گرافیک داخل و خارج از کشور بوده و در حیطه‌ی آموزش گرافیک نیز مورد تحلیل و بررسی دانشجویان و مدرسان است.»

در ادامـــه ایـــن بیانیـــه آمده اســـت: «با توجـــه به تغییر سیســـتم اداری موسســـه‌ی اســـتاندارد و تبدیل شـــدن آن به ســـازمان، طراحی حروف میانی این نشـــانه نیز در حالت انگلیسی از ISIRI (Institute Standard Industrial Research of IRAN) بـــه INSO (Iranian National Standard Organization تغییر حالت پیدا کرده و به دنبال این اتفاق در جهـــت تغییر این حروف، دخل و تصرفی خارج از اصول و قواعد طراحی گرافیک انجام شـــده اســـت که توجـــه و تأثر بســـیاری از طراحان گرافیک را به خود جلب کرده است.

نگاه و عمل تصمیم‌گیرندگان و مســـوولان این امر به هر هدفی که بوده است با دستکاری و حذف و اضافه‌ی غیرحرفه‌ای جزئیات نه تنها به مقصود دســـت پیدا نکرده و قطعا بعدها با مشکلات جدی ساختاری روبه‌رو خواهد شد، بلکه نتیجه آن به هیچ عنوان قابل دفاع نیست و بـــه وضوح آســـیبی جدی را به این نشـــانه ارزشمند ملی وارد کرده است.

انجمـــن صنفـــی طراحان گرافیـــک ایران بدین‌وسیله این رفتار غیرحرفه‌ای را با یک اثر ملی قوی مردود اعلام می‌کند و با توجه به متن این بیانیه در تاریخ ۲۰ شهریور ماه سال ۱۴۰۱ انجمن صنفـــی طراحان گرافیک ایران به طور رسمی از سازمان ملی اســـتاندارد ایران تقاضا دارد تا در تغییر نشانه «اســـتاندارد ایران» به شکل فعلی تجدید نظر کند.»

نگاه

به بهانه روز سینما

سینمای صد و بیست ساله روایتگر تمدنی چند هزار ساله

مهدی کریمی تفرشی*

شاید جالب باشد بدانید نخستین دستگاه سینماتوگراف در ایران در سال ۱۹۲۷ توسط پادشاه ایران در آن زمان یعنی مظفرالدین شاه وارد ایران شد و این دقیقا نقطه آغازی بود برای تولد سینما در ایران.

ســـینمای ایران امروز صد و بیست ساله است. سینمایی صد و بیست ساله که راوی دردها، رنج‌ها، شـــادی‌ها، روزهای تلخ و شـــیرین، پیروزی‌ها و شکست‌ها، بی عدالتی‌ها، جنگ‌ها و ایثار و از خودگذشـــتگی یک ملت کهن با تمدنی چند هزار ســـاله است. ســـینمای ایران روایتگر تاریخی پر فراز و نشیب از سرزمینی اســـت که حرف‌های بســـیاری برای گفتن دارد و سینما زبان ناطق حقایق این سرزمین است.

سینما این هنر فاخر تصویرگر واقعیت‌ها به شیوه ای رئال بوده است. واقعیت‌هایی که گاه به مزاق بعضی‌ها خوش نیامد و گاه حس غرور و امید در دل مردم زنده کرد و گاه نگاهی نقادانه اما منصفانه به شرایط موجود جامعه داشت.

گاهی در اوج فشـــار و گرفتاری و نا امیدی، مـــردم را خنداند و گاه با به تصویر کشیدن رنج مردم، اشک همزاد پنداری را بر گونه‌هایشان جاری کرد.

شـــکی نیست که فیلمسازی و به تصویر کشیدن واقعیت‌های یک ملت رسالتی است سنگین و درک و شناختی عمیق می‌خواهد از حقایقی که بسیاری قدرت دیدن آن را ندارند. باید تحلیلگر باشی. روانشناس باشی. جامعه شناس باشی و گاها از دل همین مردم دردکشیده برخاسته باشی.

ورود به عرصه ســـینما و ماندن در آن مسئولیتی ســـنگین بر دوش سینماگر می‌گذارد چرا که امروز مردم ایران با هنر آشنا هستند هنر فاخر و هنر گیشه ای را خوب می‌شناسند. باید حواست باشد چه چیزی داری به این مردم میفروشی. برای ساختن جامعه ای پویا، سرزنده و سرشار از امید باید سینمای آن کشور پویا و امیدبخش باشد. این ملت فرهیخته اند. شکی در آن نیست پس تنها سینمایی فرهیخته روح آنها را ارضا می‌کند.

اینکه چقدر ســـینمای ما توانسته هویت فرهنگی و تاریخی سرزمینی با تمدن چند هزار ســـاله را درست به تصویر بکشد نیاز به تاملی عمیق و شاید بازنگری جدی دارد. باید دفتر سینما را از نو ورق بزنیم.

ســـینمای ایران با سبک ویژه خود در فرم و محتوا همواره فرصت دیده شدن و حضور در مجامع بین‌المللی را داشـــته است و افتخار آفرینی در عرصه‌های بین المللی نشان دهنده ســـبک فاخر و قابل تحسین سینمای ایران در سطح بین الملل اســـت. رشدی که بویژه در ســـال‌های اخیر سینماگران ما در عرصه‌های بین المللی داشته اند حاکی از یک جهش قابل توجه در صنعت سینمای ماست و همچنین تصویر هویت فرهنگی ملت ایران که جهان را به تحســـین وا داشته است.

پس از سالها بی مهری و رکود در سینمای ایران امروز بار دیگر شاهد استقبال و نگاه موشکافانه مردم به سینما و پررنگ شدن نقش آثار سینمایی در زندگی آحاد جامعه هستیم و این اتفاق بسیار مهم و قابل تاملی است و رسالت فعالان عرصه سینما در این برهه حساس اینست که از این فرصت تاریخی در مسیر کمک به تحول مثبت فرهنگی و اجتماعی همه جانبه جامعه و دمیدن روح نشاط، امید و پویایی در ملتی استفاده کنند که امروز بیش از هر زمان دیگری به آن نیاز دارد.

*تهیه کننده سینما

اخبار کوتاه

برگزیده آثار مجید انتظامی در تالار وحدت

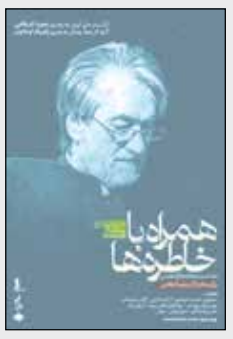

از اسامی آثار برگزیده مجید انتظامی به همراه پوستر رویداد موسیقایی «همراه با خاطره‌ها» رونمایی شد.

به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل بنیاد رودکی، ارکســـتر ملی ایـــران دهه اول مهرماه و به مناســـبت هفته دفاع مقـــدس، «همراه با خاطره‌هـــا» را در تـــالار وحـــدت روی صحنه می‌برد.

در این رویداد، برگزیده آثار مجید انتظامی به رهبری وی پس از یـــک دهه دوری از صحنه اجرا می‌شود.

سمفونی حماســـه خرمشـــهر، از کرخه تا راین، آژانس شیشه‌ای، بوی پیراهن یوســـف، دیوانه‌ای از قفس پرید، آرزوی بزرگ، جایی برای زندگی، شیخ بهایی و دوئل قطعات این اجرا هســـتند؛ این درحالی است که اجرای قطعه سمفونی خرمشهر به شکل کامل، برای نخستین‌بار صورت می‌گیرد.

در این رویداد، ارکستر ملی ایران با ترکیبی از سازهای ایرانی و کلاسیک، خاطره انگیزترین آثار مجید انتظامی را می‌نوازد.

گروه کر بنیاد رودکی به رهبری رازمیک اوحانیان، ارکستر ملی ایران را در این اجراها همراهی می‌کند.

رویداد موســـیقایی «همراه با خاطره‌ها» از ۶ تا ۸ مهر ماه ســـاعت ۲۱ در تالار وحـــدت و با همکاری مشـــترک بنیاد رودکی، انجمن موســـیقی ایران و دفتر موسیقی معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اجرا می‌شود.

علاقه‌مندان می‌توانند بلیت این رویداد را از ســـایت ایران‌کنســـرت به نشـــانی www.iranconcert.com تهیه کنند.

نقاشی‌های چرچیل را تماشا کنید

«وینســـتون چرچیل» به عنوان نخست وزیر دوران جنگ بریتانیا شـــناخته می‌شـــود و افراد کمی مطلع هســـتند که او بـــه عنوان یک نقاش حرفه‌ای در حوزه هنر فعالیت می‌کرد. به گزارش ایسنا، «وینستون چرچیل» بیشتر برای اینکـــه در دوران جنـــگ جهانی دوم به عنوان نخست‌وزیر بریتانیا فعالیت کرد بین مردم مشـــهور اســـت. او در نوامبر سال ۱۸۷۴ در یک خانواده اشـــرافی متولد شـــد. با این حال «چرچیل» یک نقاش نیز محسوب می‌شود؛ نقاشی که شـــیفته به تصویر کشیدن منظره‌ها بود. چرچیل فعالیت سیاسی را حوالـــی ۱۹۰۰ میلادی، یعنی زمانی که یکی از اعضای پارلمان بریتانیا بود آغاز کرد و در نهایت به نخست‌وزیر بریتانیا تبدیل شد. چرچیل به عنوان یک نقاش امپرسیونیست به ثبت منظره‌ها بخصوص در ساعت نخست و پایانی روز بسیار علاقه داشت. او که یک نقش حرفه‌ای نبود، به‌رغم امپرسیونیست‌های فرانسوی به دنبال مکان‌های دوردســـت و طبیعت الهام‌بخش نبود، بلکه از مناظر اطراف خانه‌اش استفاده می‌کرد. البته این به آن معنا نیست که چرچیل فقط از مناظری که برایش آشـــنا بودند نقاشـــی می‌کرد. او به واسطه شغلی که در پیش گرفته بود، بسیار سفر می‌کرد و در طول این سفرها زمانی را به هنر اختصاص می‌داد. چرچیـــل مدتی را نیز در «خاور نزدیک» زندگی می‌کرد. او در این دوران نیز به خلق تابلو نقاشـــی مشغول بود. نقاشی‌هایی که در مصر خلق کرده بود، ابرهای طلایی، آسمان آبی و زمین سبز و زرد را به تصویر می‌کشند. او حتی در یکی از این نقاشی‌ها اهرام مشهور مصر را به تصویر کشیده است.

درگذشت پیشگام سینمای سوئیس

«آلن تانر» فیلمســـاز پرکار سوئیســـی، که از پیشگامان جنبـــش فیلـــم مـــوج نوی سینمای ســـوئیس به شمار می‌رود، در ســـن ۹۲ سالگی درگذشت.

به گزارش ایســـنا بـــه نقل از فرانس ۲۴، «آلن تانر» یکی کارگردان مشهور بین‌المللی بود که ساخت چندین فیلم را در کارنامه داشت و فعالیت خود را در اواخر دهه ۱۹۵۰ آغاز کرد.

او که از چهره‌ای معاصر موج نو فرانسه نیز محسوب می‌شود به همراه همکارانش «میش سوتر»، «کلود گورتا»، «ژان لوئی روی» و« ژان ژاک لاگرانژ » موسوم به «گروه ۵»، به راه اندازی موج جدید کوچکتر سوئیس در دهه ۱۹۷۰ کمک کرد. اولین فیلم بلند «تانر» با عنوان «شـــارل، مرده یا زنده» بود که در سال ۱۹۶۹ ساخته شد و نقطه آغاز سینمای سیاسی در سوئیس بود.